

اندیشه سیاسی محمد حسین فضل الله (بر مبنای الگوی اسپریگنز)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۱

سعید ربیعی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۴

موسی ابراهیمی^۲

چکیده

سید محمدحسین فضل الله یکی از علمای آگاه و فعال لبنان در دوره معاصر بوده است که علاوه بر امور دینی و مذهبی، به نظریه پردازی در زمینه مسائل سیاسی پرداخته است. هدف پژوهش حاضر ارایه اندیشه‌ها و نظرات ایشان در قالب چهار مرحله روش فهم نظریه‌های سیاسی توماس اسپریگنز می‌باشد. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی تجزیه و تحلیل شده است. نتیجه بررسی اندیشه سیاسی این اندیشمند بر اساس اصول چهارگانه الگوی اسپریگنز بدین قرار شد که فضل الله در مرحله اول و دوم این روش به این پرسش پاسخ می‌دهد که مشکلات جامعه اسلامی را در چه چیزهایی می‌بیند و علل آن از منظر او چیست؟ او در مرحله سوم و چهارم به ارائه ویژگی‌های جامعه آرمانی و مطلوب خود و پیشنهاد راه‌حلی برای رسیدن به این جامعه مطلوب می‌پردازد. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که فضل الله مهم‌ترین مشکل جامعه اسلامی از جنبه خارجی را از ناحیه دشمنی‌های استعمار و استکبار شرق و غرب علیه مسلمانان می‌داند و از جنبه داخلی مرتبط با کارشکنی‌های قدرت‌ها و سیاستمداران منافق معرفی می‌کند. از جمله ویژگی‌های جامعه آرمانی مدنظر ایشان، تحقق اسلام به عنوان دینی سیاسی و استکبارستیز بوده و از جمله راه‌حل‌های مورد نظر وی در ارایه جامعه مطلوب، می‌توان به مواردی همانند تئوری حزب الله و فرهنگ‌سازی تدریجی اشاره کرد.

کلید واژه‌ها: اندیشه سیاسی، روش اسپریگنز، محمدحسین فضل الله، جامعه آرمانی.

۱. دانشجوی دکتری رشته اندیشه سیاسی، دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول): rabie.saeid@yahoo.com

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، دانشگاه بین المللی امام

خمینی: Musa.ebrahimi1992@gmail.com

۱. مقدمه و بیان مسئله

علامه سید محمدحسین فضل‌الله از برجسته‌ترین چهره‌های مذهبی و فکری شیعه در نیم قرن اخیر در لبنان بود که قرآنتی انقلابی و پویا از اسلام عرضه کرد و نه تنها توانست پاسخی برای بحران هویت بیابد، بلکه زمینه مشارکت در عرصه عمل را نیز برای شیعیان فراهم کرد و راهکارهایی علمی و عملی را برای انقلابی‌های مسلمان ارائه داد. همچنین او را رهبر روحانی حزب‌الله معرفی می‌کردند. فضل‌الله در دو زمینه اندیشه و عمل سیاسی آثار درخور تأملی از خود بر جای نهاد که بررسی و پژوهش در مورد آن‌ها لازم و ضروری به نظر می‌رسد. وی دریچه‌ای نوین و متفاوت و به روز از سیاست اسلامی به روی جوانان شیعه گشود. مهم‌ترین مسئله‌ای که در پژوهش حاضر بدان پرداخته می‌شود، مسئله ریشه‌یابی هوشمندانه بحران‌های عصر حاضر از دیدگاه این اندیشمند اسلامی است که با توجه به آگاهی و بینش بسیار عمیق فضل‌الله در خصوص مسائل سیاسی و اسلامی، مورد توجه قرار می‌گیرد و تفاوت مهمی که نیاز به بررسی اندیشه‌های این متفکر بزرگ را لازم می‌کند، تفکرات نوین و به روز و مطابق با شرایط عصر حاضر است که حتی گاهی تا جایی پیش می‌رود که نظرات ایشان با سایر دانشمندان و صاحب نظران شیعه متفاوت می‌شود. مثلاً وی در جایی یکی از مهم‌ترین ریشه بحران‌ها را تربیت و آموزش غلط سیاست‌مداران مسلمان لبنان عنوان می‌کند و معتقد است، این آموزش‌ها تناسب و سنخیتی با احوالات روز ندارد و در نتیجه ناکارآمد است و ناکارآمدی با جامعیت و کامل بودن دین اسلام و همچنین با سیاست‌های عملی کاربردی در کشور هماهنگی ندارد. بنابراین، باید در این تربیت غلط و اندیشه‌هایی که از آن‌ها برای این گونه تربیت‌ها بهره گرفته می‌شود، بازنگری کرد؛ این موضوعی است که بیشتر صاحب نظران اسلامی یا بدان توجه ندارد یا به گونه سطحی و مقطعی با آن برخورد می‌کنند. نکته بسیار دقیق و ظریفی که فضل‌الله در جای جای اندیشه‌های خویش بدان توجه می‌کند، همان ادعای جامعیت و کامل بودن دین اسلام در تمام زمینه‌ها به خصوص سیاست است که به اعتقاد او باید اندیشمندان مسلمان هم در نظر و هم در عمل کارایی این ادعا را ثابت کنند، اما در طول سالیان طولانی عمر اسلام در دوره متاخر از آن غفلت شده است. بنابراین، در این پژوهش، ضروری است تا حد امکان قدم‌های مثبتی در آشکارسازی هر چه دقیق‌تر و بهتر علل عمیق بحران‌های اسلام و نسبت واقعی و درست دین و سیاست برداشته شود و متناسب با آن راه حل‌ها ارائه گردد.

در ذکر اهمیت این پژوهش همین بس که کنکاش در اندیشه‌های سیاسی افراد تأثیرگذار هر عصر و

استخراج اصول عملی و دقیق آن می‌تواند گره‌گشای بسیاری از مشکلات عصر حاضر برای هر ملتی بوده و همچنین ترسیم‌کننده جامعه‌ای مطلوب باشد که به اهداف و آرمان‌های آن جامعه، جامه عمل می‌پوشند و نتیجه نهایی آن، پیشرفت مادی و معنوی روزافزون مردم و کشورهاست.

۲. هدف و پرسش‌های پژوهش

هدف کلی این پژوهش بررسی اندیشه‌های سیاسی علامه فضل‌الله در قالب چهار مرحله روش فهم نظریه‌های سیاسی توماس اسپریگنز دسته‌بندی، ارائه و تحلیل می‌گردد. پژوهش حاضر شامل چهار پرسش می‌باشد که عبارت‌اند از:

۱. فضل‌الله در مورد بحران‌های زمانه چه دیدگاهی داشته است؟
۲. فضل‌الله ریشه بحران‌های زمانه را در چه مسائلی می‌دیده است؟
۳. جامعه مطلوب فضل‌الله چه مختصاتی داشته است؟
۴. راه‌حل این اندیشمند برای برون‌رفت از این بحران‌ها و رسیدن به جامعه مطلوب چه بوده است؟

۳. پیشینه پژوهش

کارهای تحقیقی انجام شده در قالب کتاب یا مقاله در مورد نظریات این اندیشمند، بیشتر در یک مورد خاص و جزئی نظرات فضل‌الله گردآوری شده و یک جنبه از جوانب مختلف نظرات ایشان را در حوزه تفکرات سیاسی در برمی‌گیرد. برای نمونه می‌توان به مواردی زیر اشاره کرد:

سنکری (۲۰۰۸م)، در کتابی با عنوان "مسیره القائد شیعی السید محمدحسین فضل‌الله" به شرح حال علامه فضل‌الله می‌پردازد و زندگی سیاسی و فعالیت‌های وی را ترسیم می‌کند و در خلال مباحث به نمونه‌ای از این فعالیت‌های وی مانند نقش برجسته او در حزب الدعوه در عراق و حزب‌الله در لبنان اشاره کرده است. در انتهای کتاب هم برخی فتوای بحث‌برانگیز و متفاوت با سایر علمای شیعه را بیان کرده است.

الجزائری (۲۰۰۲م)، در کتاب خود تحت عنوان "السید محمدحسین فضل‌الله: امه فی رجل" در مورد دیدگاه‌های علامه فضل‌الله در رابطه با جنبش‌ها و نهضت‌های مسلمانان و ارائه راهکارهای این اندیشمند در مورد به ثمر نشستن آن‌ها مطالبی را ارائه داده است. نویسنده سعی کرده که در کتاب خود مطالب را به گونه‌ای بیان کند که منعکس‌کننده نظرات و تفکرات فضل‌الله باشد.

مرادی (۱۳۸۱)، در مقاله‌ای با عنوان "اندیشه سیاسی آیت‌الله سید محمدحسین فضل‌الله" به بیان آرای

سیاسی علامه فضل‌الله در مورد ولایت فقیه، شورا و دموکراسی پرداخته و در ادامه به حکومت مطلوب از دیدگاه علامه فضل‌الله اشاره کرده است.

مهتدی (۱۳۹۵)، در مقاله خود تحت عنوان "جلوه‌های بیداری اسلامی در اشعار علامه سید محمدحسین فضل‌الله" مفهوم بیداری اسلامی و ابعاد مختلف آن و مسئله فلسطین در اشعار علامه فضل‌الله را توصیف و تحلیل کرده است که در اثنای آن به برخی از مشکلات مسلمانان معاصر از دیدگاه وی اشاره شده است.

کتاب مرادی (۱۳۹۰)، تحت عنوان "نقد و بررسی کتاب دشواری‌های روش‌شناسی اجتهادی فهم شریعت در بازخوانی اندیشه علامه سید محمدحسین فضل‌الله" که در برارنده مجموعه مقالات و گفتگوهای علامه فضل‌الله است و غالب آن‌ها درباره اجتهاد و پاسخ‌های اجتهادی به پرسش‌های معاصر و نظریه‌پردازی برای فهم عصری و یافتن مبانی فکری و اجتهادی در مورد مسائل گوناگون فقه و اجتهاد... است که گاهی در خلال مباحث مسائل سیاسی هم بیان شده است و به نوعی آن کتاب را اندیشه نامه علامه فضل‌الله هم دانسته‌اند. فضل‌الله هدف بیان این مطالب را مقایسه اجتهاد اسلامی در دوره‌های گذشته با عصر معاصر دانسته است؛ یعنی هر مطلب نگارش شده برای توضیح و تبیین مسئله اجتهاد بوده است، نه صرفاً بیان مسائل سیاسی یا ...

همان طور که بیان شد، پژوهش‌های صورت‌گرفته بیشتر به موارد جزئی و خاصی از نظرات علامه فضل‌الله پرداخته است، اما تفاوت این پژوهش با سایر تحقیقات در این است که اولاً این پژوهش با نگاه جامع‌تر و کامل‌تر به موضوع پرداخته، ثانیاً نظرات فضل‌الله بر اساس الگو و چهارچوب نظری توماس اسپریگنز بررسی شده که چنین کاری تا به حال انجام نشده است. همچنین نظرات این اندیشمند مورد تحلیل و بررسی تازه قرار می‌گیرد که در نوع خود بدیع است.

۴. مبانی نظری

۴.۱. نظریه اسپریگنز

اسپریگنز در کتاب فهم نظریه‌های سیاسی چهارچوبی ارائه می‌کند که می‌توانیم با آن به فهم فرایند فکری نویسندگان فلسفه سیاسی نائل آییم. او به ما کمک می‌کند تا منطق درونی‌ای را کشف کنیم که این فیلسوفان آن را در صورت‌بندی نظریه‌هایشان به کار بستند (Hoffman, 2013:1). به طور خلاصه صورت‌بندی فهم

نظریه سیاسی اسپریگنز از چهار مرحله^۱. مشاهده بی‌نظمی؛ ۲. تشخیص درد یا ریشه‌های آن؛ ۳. جامعه مطلوب و ۴. ارائه راه‌حل تشکیل شده است.

نظریه بحران در عین سادگی و کم ادعا بودن، کارایی زیادی در فهم اندیشه سیاسی دارد، ولی در بررسی اندیشه‌های سیاسی باید توجه داشت، اندیشمند مورد بحث، باید دارای نظریه سیاسی منسجمی باشد. بنابراین، هرگاه شخصی دارای اندیشه سیاسی به معنای خاص (نظریه و اندیشه سیاسی منسجم) نباشد، کاربرد نظریه بحران در مورد وی محلی از اعراب ندارد (حقیقت، ۱۳۹۱: ۴۳۱).

۲. ۴. مراحل شکل‌گیری نظریه اسپریگنز

فهم نظریه‌های سیاسی، اغلب به‌سادگی امکان‌پذیر نیست و باید برای درک آن‌ها از روش‌ها و الگوهای علمی استفاده کرد که یکی از این روش‌ها، استفاده از الگوی اسپریگنز است که به نام "نظریه بحران" مشهور شده است. این نظریه، روشی برای فهم نظریه‌های سیاسی است و به کمک آن می‌توان منطق درونی هر نوع نظریه‌پردازی را خواه در زمینه سیاست، اقتصاد، اجتماع، تربیت و خواه اخلاق، کشف کرد. با این نظریه بهتر می‌توان به پیچیدگی اندیشه سیاسی پی برد (رجایی، ۱۳۸۹: ۱۰ و ۱۳) و می‌توان گفت، مدل اسپریگنز خود مبتنی بر روش هنجاری می‌باشد.

روش هنجاری را در معنای وسیعش می‌توان شامل کشف و کاربرد اندیشه‌های اخلاقی در عرصه روابط سیاسی دانست (استوکر و مارش، ۱۳۸۴: ۴۹). نظریه اسپریگنز دارای چهار مرحله است که این مراحل در عمل تا حد کاملاً محدودی پس و پیش می‌شوند، اما حتی اگر در مرحله ارائه نظریه سیاسی این نظم رعایت نشود، در روند جستار ترتیب مراحل به شکل زیر است: ۱. مشاهده بی‌نظمی؛ ۲. تشخیص علل آن؛ ۳. ارائه راه‌حل؛ ۴. تصویر جامعه احیا شده یا جامعه آرمانی. مرحله چهارم به جسم شناور می‌ماند که گاه ممکن است قبل از ارائه راه حل و گاهی قبل یا بعد از تشخیص علل بی‌نظمی ارائه شود (حقیقت، ۱۳۹۱: ۳۹-۴۱).

الف) مشاهده بحران: برای فهم افکار یک نظریه‌پرداز سیاسی اولین سؤال این است: مشکل او کدام

است؟ به نظر او چه چیزی خطرناک، فاسد و مخرب است؟ چه چیزی او را برانگیخته تا تعمق و تفکر ذهنی را به‌صورت نظریه سیاسی منسجم و اساسی به رشته تحریر درآورد. هدفش کدام است؟ چه نارسایی و بی‌نظمی مشخصی را می‌خواهد درمان کند؟ به زبان لیپمن^۱ دریافتن بی‌نظمی‌های فزاینده جامعه، معمولاً یک

^۱ Matthew Lippman

بعد حساس وجودی نیز دارد (حقیقت، ۱۳۹۱: ۵۴-۵۶).

نظریه پرداز، بی نظمی را در زندگی و روان شخص خود نیز تجربه می کند. درست است که بحران در خارج از اوست، اما بر درون او نیز اثر می گذارد. بحران اجتماعی تعادل درونی کسانی را که به آن ها دچارند بر هم می زند. از آنجا که روان انسان به شدت با نقش ها و الگوهای رفتاری اجتماعی آمیخته است، نابسامانی های اجتماعی احتمالاً در قالب اغتشاشات احساسی و پریشانی شدید فردی نمود پیدا می کند (حقیقت، ۱۳۹۱: ۵۴-۵۶). نظریه های سیاسی عمدتاً در واکنش به درهم ریختگی نظم مدنی نوشته شده اند و نظریه های عاجل و ضروری اندیشمندانی مانند هابز، ماکیاولی، لاک، برک و ... برای پیدا کردن عناصر ثبات بخشی در جامعه بوده است (جمشیدی، ۱۳۸۵: ۲۹۷).

ب) ریشه یابی بحران: اولین سؤالی که نظریه پرداز در آغاز مرحله تشخیص با آن رو به روست و یکی از حساس ترین موضوعات نظریه های سیاسی است، این سؤال است که آیا مشکل سیاسی مطرح شده ریشه سیاسی دارد؟ آیا علل مرض و علائم آن واقعاً سیاسی هستند؟ این سؤال سرنوشت ساز خود به دو قسمت تقسیم می شود؛ زیرا علت سیاسی علتی عمومی است نه فردی؛ قراردادی است و نه طبیعی؛ بنابراین نظریه پرداز باید کشف کند که آیا ریشه مشکل از آن هایی است که به جامعه مربوط می شود و بنابراین عام است و یا اینکه صرفاً تأثیرات ذهنی و فردی اوست. پس از آن اگر به این نتیجه رسید که مشکل اجتماعی است باید مشخص کند که آیا مشکل محصول شرایطی است که انسان می تواند تغییر بدهد؛ یعنی علل قراردادی است یا اینکه علل از پدیده های طبیعی است (اسپرینگز، ۱۳۸۲: ۸۱).

پ) بازسازی جامعه مطلوب بر اساس تصویر آرمانی: مشاهده بی نظمی به غیر از مشکل تشخیص علل، مسئله دیگری را نیز مطرح می کند. این مسئله موضوع نظم سیاسی درست است. اگر شخصی اوضاع سیاسی را که در آن زندگی می کند به نحوی نامنظم تشخیص دهد، معنی اش این است که نظام مرتب و درست می تواند به وجود آید. از این رو نظریه پرداز باید به این سؤال جواب دهد که اگر اوضاع خراب است، اوضاع درست کدام است؟ اگر این بیماری است، سلامت کدام است؟ اگر این حالت گیجی است، حالت صحیح کدام است؟ (اسپرینگز، ۱۳۸۲: ۱۱۹).

ت) ارائه راه حل: انسان رفتارش را بر بینشی که از واقعیات دارد، بنا می کند. انسان در توضیح علت انجام دادن هر امری به حقایق مربوط به جهان اشاره می کند (اسپرینگز، ۱۳۸۲: ۱۵۴). در دنیای واقعی که

مردم زندگی می‌کنند اگر همه چیز عاقلانه باشد راه‌حل‌های تجویزی، مستلزم داشتن بنیان‌های متکی بر حقیقت‌اند. به طور خلاصه عباراتی که بیان حقیقت‌اند، در مفهوم باز و نه محدود و مضیق (شمول) تجویزی دارند، به این ترتیب که آن‌ها تناسب و تخصیص عکس‌العمل‌ها را مشخص می‌کنند (اسپریگنز، ۱۳۸۲: ۱۵۵). جنبه تجویزی نظریه‌های سیاسی از قضاوت درباره آنچه ضروری یا اجتناب‌ناپذیر است، ریشه می‌گیرد. اگر جامعه انسانی طبیعتاً جنبه‌ها و شرایطی دارد که برای بقای آن ضروری است، بنابراین کسانی که راه‌حل سیاسی تجویز می‌کنند باید این جنبه‌ها را در نظر بگیرند (اسپریگنز، ۱۳۸۲: ۱۶۷-۱۶۹).

۵. روش پژوهش

رهیافت این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است. سعی نگارنده بر این است که داده‌های مناسب مرتبط با الگوی اسپریگنز را از کتاب او از یک سو و داده‌های متناسب با اندیشه سیاسی فضل‌الله را از سوی دیگر از طریق منابع کتابخانه‌ای و منابع اینترنتی جمع‌آوری کند و سپس با در نظر گرفتن الگوی مذکور، به بررسی و تحلیل نظریات این اندیشمند پردازد؛ بدین معنا که در چهارچوب این روش، مراحل مشاهده و شناسایی مشکلات، تشخیص درد، جامعه مطلوب و درمان آن را در اندیشه سیاسی فضل‌الله توصیف و سپس تحلیل کند.

۶. یافته‌های تحقیق

علامه محمدحسین فضل‌الله، مرجع تقلید شیعه و متفکر برجسته لبنانی، از جمله اندیشمندانی بود که در دوران معاصر به تبیین و بسط اندیشه سیاسی اسلام پرداخت. اندیشه سیاسی ایشان متأثر از آموزه‌های اسلام ناب محمدی (ص) و شرایط سیاسی و اجتماعی لبنان بود.

ایشان با نگاهی واقع‌بینانه به مسائل سیاسی و اجتماعی، به دنبال ارائه نظریات قابل اجرا در دنیای واقعی بود (فضل‌الله، ۱۴۱۷: ۱۴). وی با رویکردی اجتهادی و پویا به مسائل سیاسی می‌پرداخت و به دنبال استنباط احکام شرعی متناسب با شرایط زمان و مکان بود (فضل‌الله، ۱۴۲۹: ۴۵). علامه فضل‌الله همچنین از افراط و تفریط در اندیشه و عمل سیاسی پرهیز و بر ضرورت اعتدال و میانه‌روی در همه امور تأکید می‌کرد (فضل‌الله، ۱۴۳۰: ۱۲۷). در اینجا به بیان اندیشه این عالم بزرگ بر مبنای الگوی اسپریگنز می‌پردازیم.

۱. ۶. مرحله اول: مشاهده و شناخت بحران جامعه

فضل‌الله در دوران پرآشوب و بحران‌زایی در لبنان می‌زیسته که جهان اسلام نیز دارای مشکلات بسیاری

در حوزه‌های خارجی و داخلی بوده که اساسی‌ترین مشکل از دیدگاه وی در حوزه مسائل خارجی از ناحیه استعمار و استکبار می‌باشد و در حوزه مسائل داخلی مهم‌ترین مشکل را ظهور قدرت‌ها و سیاستمداران منافق می‌داند. ایشان به‌خوبی این مشکلات را از جنبه‌های گوناگون به تصویر کشیده و دلایل آن را توضیح داده است.

الف) استعمار و استکبار: «امروزه مشکل بزرگ اسلام، یکی دولت‌های استکباری شرق و غرب است و دیگری قدرت‌های مزدور و دست‌نشانده داخلی» (فضل‌الله، ۱۳۹۰: ۲۰).

در اندیشه فضل‌الله اولین و مهم‌ترین مشکل جهان اسلام معاصر، دشمنی‌ها و حیل‌های کشورهای استعماری و استکباری شرق و غرب علیه سایر کشورها به خصوص کشورهای حق‌طلب و مسلمان است. فضل‌الله در جای‌جای آثار و سخنرانی‌های خود به بیان این دشمنی‌ها می‌پردازد و بین این دولت‌های استکباری و استعماری در دنیای غرب و شرق تفاوتی نمی‌گذارد و معتقد است، آن‌ها هرکدام تنها اهداف و منافع خودشان را دنبال می‌کنند و با انواع تجاوزات نظامی و سیاسی و فرهنگی و ... و همچنین تبلیغات گمراه‌کننده فراوان علیه اسلام راستین و استفاده از روش‌های گوناگون، مشکلات بسیاری را برای ملت‌های مسلمان می‌آفرینند و دولت‌های دست‌نشانده داخلی هم در تحقق اهدافشان، آن‌ها را یاری می‌رسانند که می‌توان گفت، اهداف آن‌ها از این‌گونه دشمنی‌ها به زانو درآوردن این ملت‌ها در برابر زورگویی‌هایشان، سرکوب حرکت‌های حق‌طلبانه آنان و عدم حمایت آن‌ها از دیگر مسلمانان مظلوم و سایر مردم ستم‌دیده جهان، به خطر نیفتادن منافعشان در کشورهای مختلف و چپاول منابع و ثروت‌های مادی می‌باشد.

فضل‌الله می‌گوید: «ما شاهدیم که استکبار دست روی ثروت‌هایمان می‌گذارد، سیاست و امنیت ما را مصادره کرده و می‌کوشد در جهت منافع خود و اسرائیل بر ما فشار آورد. ما امروزه به‌عنوان مسلمان در تمامی مسائل خویش با معضلاتی واقعی روبرویم؛ چراکه سیطره استکبار جهانی به شکلی متحد بر آن است تا هیچ اتحادی بین عرب‌ها و مسلمانان شکل نگیرد. از این روست که همواره اختلافات مذهبی، قومی و نژادی را در آنان دامن می‌زند» (فضل‌الله، ۱۳۸۴: ۲۷۶-۲۷۷).

فضل‌الله در بین کشورهای استعماری و استکباری، بیشترین و مهم‌ترین اتهام را متوجه آمریکا و اسرائیل می‌کند و معتقد است، آن‌ها بزرگ‌ترین دشمنان اسلام و جهان عرب (و حتی کل دنیا) هستند که با سیاست‌های تخریبی و ضد بشریشان دنیا را به مخاطره کشانیده‌اند. ایشان در مورد آمریکا می‌گوید: «معتقدم،

دولت‌های بزرگ و به ویژه آمریکا، با از بین بردن آزادی انسان به نام دفاع از آزادی و توقیف منافع او تحت عناوین گوناگون، در جهت براندازی انسانیت انسان فعالیت می‌کنند. در حالی که آمریکا جنایت‌های اسرائیل را پرده‌پوشی می‌کند و او را مسلح به انواع سلاح‌های ویرانگر می‌کند تا به کشتار ملت فلسطین دست» (فضل‌الله، ۱۳۸۱ الف: ۱۱۵).

فضل‌الله در مورد اسرائیل چنین اعتقاد دارد: «در تفسیر و بیان عبرت‌آموزی از واقعه عاشورا، ناگزیر سخن از نبرد جهان عرب و اسرائیل به میان می‌آید. این رژیم (اسرائیل) می‌کوشد، میراث تمدن عربی ما را نابود سازد و در تلاش است از راه هم‌پیمانی با آمریکا، بر کشورهای عربی و جهان اسلام سلطه یابد. از دیگر اهداف این تلاش از میان برداشتن مفهوم (امت) است. این را در اجلاس مادرید آشکارا مشاهده کردیم. در آنجا آمریکا و اسرائیل از دیدار با مجموعه‌ای متشکل از کشورهای عربی که کنگدی این کشورها را اتحادیه عرب به عهده داشت، سرباز زدند. آنان می‌خواهند که هر یک از کشورهای عربی به تنهایی شرکت کند. چراکه اسرائیل چیزی را به نام جهان عرب به رسمیت نمی‌شناسد و می‌خواهد با هر کشوری به صورت جداگانه وارد مذاکره شود» (فضل‌الله، ۱۳۸۴: ۲۷۶).

این اندیشمند معتقد است که مستکبران با انواع روش‌های مختلف به مبارزه و دشمنی با اعراب و مسلمانان می‌پردازند که در ادامه می‌توان به نمونه‌هایی از این روش‌ها به صورت تیتروار اشاره کرد: دخالت سازمان‌های اطلاعاتی کشورهای استکباری (فضل‌الله، ۱۳۸۴: ۱۵۱-۱۵۲)، جنگ رسانه‌ای و تبلیغاتی استکبار جهانی علیه اسلام (فضل‌الله، ۱۳۹۶: ۴۰)، سوء استفاده از اعتقادات دینی مسلمانان (فضل‌الله، ۱۳۷۸: ۱۶۳)، تعلیم و تربیت در قبضه قدرت‌های مستکبر (فضل‌الله، ۱۳۹۰: ۲۴)، ایجاد مانع بر سر راه اتحاد و گفتمان در جهان اسلام (فضل‌الله، ۱۳۸۴: ۸۱-۸۲)، ایجاد شکاف بین مسلمانان با جنگ روانی (فضل‌الله، ۱۳۷۸: ۲۳۳-۲۳۴)، سرگرم ساختن مسلمانان به اختلافات بیهوده توسط استکبار جهانی (فضل‌الله، ۱۳۸۴: ۱۱۴)، جنگ رسانه‌ای استکبار و ایجاد احساس ناتوانی در برابر آن‌ها (فضل‌الله، ۱۳۸۴: ۲۴۹)، از بین بردن روح مقاومت توسط رسانه‌های استعمار (فضل‌الله، ۱۴۴۱: ۷۹-۸۰).

۱۴۹ (ب) قدرت‌ها و سیاستمداران داخلی وابسته به دشمن: «امروز مشکل بزرگ اسلام، یکی دولت‌های استکباری شرق و غرب است و دیگری قدرت‌های مزدور و دست‌نشانده داخلی.» (فضل‌الله، ۱۳۹۰: ۲۰).

اگر بخواهیم دومین مشکل بزرگ جامعه مسلمانان را از نظر فضل‌الله معرفی نماییم، قطعاً (با توجه به

سخنان و نظرات خود او) می‌بایست از ظهور افراد، دولت‌ها، سیاستمداران و به تعبیر کلی قدرت‌های داخلی متظاهر به اسلام نام ببریم که در واقع وابسته به عوامل خارجی (دشمن ملت و کشورهای مسلمان) هستند؛ به اعتقاد ایشان، این مسئله یک نوع استعمار داخلی است که بحران بزرگ تعارضات قومی را با نابرابری و توزیع ناهمگون منابع مختلف در یک واحد ملی که دارای تنوعات اجتماعی و قومی است، رقم می‌زند (صالحی، ۱۳۸۶: ۲۵). فضل‌الله این قدرت‌ها به ظاهر و در شعارهایشان به نفع مسلمانان سخن می‌گویند، ولی در عمل و واقع امر به نفع دولت‌های متخاصم عمل می‌کنند و حتی گاهی ظاهر اسلام را هم رعایت نمی‌کنند. از دیدگاه ایشان ممکن است در کشورهای اسلامی دولت‌ها یا سیاستمدارانی بر سر کار بیایند که به ظاهر مسلمانند، اما ایدئولوژی و منشی غیر ایدئولوژی و منش اسلام دارند و به تبع آن به قوانین اسلامی التزامی ندارند و آن‌ها را در جامعه پیاده نمی‌کنند که سیاست و منش این‌گونه افراد و دولت‌ها مشکلاتی را برای جامعه مسلمان فراهم می‌کنند. به نظر می‌رسد، منظور وی از این‌گونه دولت‌ها همان ظهور دولت‌هایی با تفکرات غربی مثل لیبرالیسم یا سوسیالیسم یا امثال آن‌ها در درون حکومت‌های اسلامی است که دائماً (خواسته یا ناخواسته) در جهت منافع غرب و خلاف مصالح مؤمنان کارکرد دارند: «ما با حکومت‌هایی روبه‌رو هستیم که در میان مسلمان‌ها رشد کرده و بزرگ شده‌اند، اما در اجرای احکامشان حتی ظاهر اسلام را هم در کشورهای اسلامی رعایت نمی‌کنند! توجه به اسلام غالباً در مناسبت‌هایی مانند اعیاد و یا تعطیلات دیده می‌شود، ولی قوانین اجرایی، قوانین کفر و همان چیزهایی است که نمایندگان مردم در مجلس به تصویب می‌رسانند» (فضل‌الله، ۱۳۸۷: ۵۰). یا در جایی دیگر می‌گوید: «... نمونه‌هایی از سیاستمداران را می‌بینیم، که در سیاست از خط استعمار پیروی می‌کنند، درهای رفت و آمد و رفاقت را به روی اسرائیل و غیر اسرائیل که دشمن امت ما هستند، گشوده‌اند و قوانین حکومت ظالمانه را استقرار بخشیده‌اند... و هم اینان مجالس عاشورا را به صورت مجلس عزا برپا می‌دارند و به روضه‌خوانان توصیه می‌کنند، از مدار ذکر مصیبت خارج نشوند!» (فضل‌الله، ۱۳۸۷: ۸۵).

فضل‌الله نمونه‌هایی از مشکلات و روش‌های دشمنی سیاستمداران داخلی را این‌گونه بیان می‌کند: سوء مدیریت و انتخاب نادرست استراتژی و تاکتیک (فضل‌الله، ۱۳۹۶، ۱۲۲)، خود برترینی رهبران و نخبه‌گرایی (فضل‌الله، بی‌تا، ج ۴، ۳۰-۳۲)، مهار جنبش‌های مسلمانان با بازی‌های سیاسی (فضل‌الله، ۱۳۷۸: ۷۳)، استفاده این حکومت‌ها از وجهه اسلامی برخی شخصیت‌ها (فضل‌الله، ۱۳۷۸: ۷۴)، اتخاذ سیاست‌های

بسته در روابط با دیگران (فضل الله، ۱۳۷۸: ۱۴۳).

۲. ۶. مرحله دوم: ریشه‌های مشکلات جامعه

علامه فضل الله مهم‌ترین علت بحران‌های پیش‌روی جامعه را در چند بخش (مربوط به حوزه استعمار و استکبار، مربوط به حوزه افراد و قدرت‌های داخلی، مربوط به مردم، مربوط به جنبش‌ها و فعالان سیاسی - اسلامی و ...) می‌داند. به عقیده او از محوری‌ترین ریشه‌های بحران‌ها در حوزه استعمار و استکبار به مشکل و دشمنی آن‌ها با اصل اسلام و حق‌طلبی مسلمانان و همچنین بهره‌مندی و غارت منابع طبیعی این کشورها بر می‌گردد. از مهم‌ترین ریشه‌ها در حوزه عوامل مربوط به افراد و قدرت‌های داخلی می‌توان به وابستگی (به غرب یا قدرت‌های استکباری) و نداشتن آگاهی و تربیت سیاسی صحیح آن‌ها اشاره کرد.

استکبار جهانی؛ ریشه همه درگیری‌ها: «ما در حال حاضر با مبارزه طلبی بزرگی از ناحیه استکبار جهانی روبه‌رو هستیم که به کلیت اسلام، از نظر فرهنگی، سیاسی، اقتصادی جنگ و آشتی پنجه درافکنده است. این در حالی است که استکبار می‌خواهد همه خواسته‌های خود را در امور فوق بر بشریت تحمیل کند» (فضل الله، ۱۳۸۷: ۸۱).

«به نظر من، برخورد تمدن‌ها یک پوشش است و مسئله همان برخورد منافع مستکبران و مستضعفان است؛ صرف نظر از اینکه این مستضعفان متعلق به تمدنی هماهنگ با تمدن غرب باشند یا تمدن آن‌ها هماهنگ با تمدن اسلام باشد. همه این‌ها آن‌گونه که قرآن کریم بیان داشته است، ریشه همه درگیری‌های جهان همان استکبار و استضعاف است. حضرت امام خمینی (ره) به خوبی از این مسئله آگاه بود و به جای کلمات «مستکبر» و «مستکبر»، کلمات مستکبر و مستضعف را جایگزین ساخت» (فضل الله، ۱۳۸۱ الف: ۸۴).

رژیم صهیونیستی؛ عامل فتنه‌ها و دشمنی با مسلمانان: «من می‌پرسم مردم آمریکا چه دشمنی با مسلمانان خاورمیانه دارند؟ این دشمنی آنان ریشه‌ای تاریخی داشته و ناشی از تبلیغات صهیونیستی بر ضد اعراب و مسلمانان در آمریکا می‌باشد. ... موضع آمریکا همواره جانبداری از رژیم اسرائیل و ضدیت با ملت فلسطین بوده است. آمریکا از نظر اقتصادی، نظامی و سیاسی به تثبیت اسرائیل می‌پردازد. ... گویی اسرائیل ایالت ممتاز و پنجاه و دوم آمریکاست. حمایت از اسرائیل راز نفرت اعراب و مسلمانان از آمریکاست» (فضل الله، ۱۳۸۱ الف: ۱۳۰).

منابع طبیعی کشورهای مسلمان؛ منشأ خصومت استعمار با آن‌ها: فضل‌الله استدلال می‌کند، «شاید مشکل جهان اسلام و عرب این است که چون در سرزمین خود دارای منابع طبیعی زیادی هستند که عناصر رفاه جهان استکبار بدان وابسته است، ماهیت پروژه‌های آن‌ها به گونه‌ای است که می‌خواهند این کشورهای عربی و اسلامی را به محل درگیری تبدیل کنند و در این راستا مبارزه برای نفوذ بین‌المللی و تصرف این منابع طبیعی صورت می‌گیرد... شاید بتوان عمق واقعیت استعمار را در تمام تاریخ مدرن خود به‌عنوان واقعیت کنترل نفت خلاصه کرد و می‌توان تأیید کرد که این قرن نفت است» (فضل‌الله، ۱۴۱۷: ۵۳-۵۷).

فضل‌الله در رابطه با افراد و قدرت‌های داخلی این‌گونه ریشه‌های مشکلات را شرح می‌دهد: مشکل در تربیت سیاسی نسل جدید سیاستمداران لبنان: «مشکل در تربیت سیاسی است که این نسل از سیاستمداران در لبنان با آن تربیت شده‌اند، آموزشی که به لبنانی‌ها می‌گوید: جنگیدن شما با یکدیگر مشکلی ندارد، اما اگر با آمریکا یا با اسرائیل مبارزه کنید، این تمام مشکل است! آیا این درست است که این مشکل است؟ مشکل خود آن‌ها هستند!» (فضل‌الله، ۱۴۲۰: ۱۴۰).

وابستگی، مشکل گفتمان کشورهای عرب در برابر غرب: «مشکل گفتمان عربی در سطح رسمی این است که در مقابل غرب در ترس، اضطراب و ناتوانی مطلق زندگی می‌کند؛ زیرا اکثر این رژیم‌ها کاملاً تابع غرب هستند؛ در واقع بسیاری از مسئولین آن‌ها، کارکنان سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا هستند که می‌توانند شخصی را در پست ریاست جمهوری یا غیر ریاست جمهوری به‌کارگیری کنند» (فضل‌الله، ۲۰۰۳: ۲۸).

۶.۳. مرحله سوم: ویژگی‌های جامعه آرمانی

فضل‌الله در مرحله سوم با مدنظر قرار دادن اهداف و آرمان‌های اسلامی با چاشنی واقع‌گرایی و عقل‌گرایی، ویژگی‌هایی را به‌عنوان هدف و آرمان برای اسلام‌گرایان انقلابی تعریف می‌کند تا به هدف اصلی و نهایی اسلام یعنی تقرب الهی نائل شوند. در دیدگاه ایشان، اسلام آرمانی با استقرار اسلام واقعی محقق می‌شود. از نظر وی اسلام واقعی ویژگی‌هایی دارد که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱. اسلام واقعی؛ اسلام سیاسی و استکبارستیز: فضل‌الله می‌نویسد: «... تا زمانی که برای استعمار، ستم، استکبار و اسرائیل بی‌آزار باشیم، قدم از قدم بر نداریم و با یکدیگر به نزاع پردازیم، آنان (استکبار

جهانی) نیز آماده‌اند تا بهترین موقعیت‌ها را در اختیار ما بگذارند. ... هدف ما آن است که با تمامی جهان از دوستی و صلح دریابیم؛ و هدف دیگر این است که خطری برای تمام ستم‌ها، استکبارها و کفرها باشیم» (فضل‌الله، ۱۳۸۴: ۱۱۶-۱۱۷).

۲. اسلام‌مداران مسئولیت‌پذیر: از نظر فضل‌الله واقعیت اسلام در آرمان‌های آن، اسلامی است که هم مبتنی بر تعقل و اندیشه و هم بر مبنای حرکت مسئولانه هر فرد مسلمان پایه‌گذاری شده باشد؛ یعنی وقتی کسی ادعای مسلمانی کرد باید هوشمندانه وظایف خود را در عرصه‌های مختلف فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... پیگیری و انجام دهد و نسبت به هم نوعانش احساس مسئولیت کند (فضل‌الله، ۱۳۸۱ الف: ۱۰۳).

۳. تربیت نخبگان سیاسی شایسته: به اعتقاد فضل‌الله، تربیت نخبگان شایسته جامعه بر مبنای دیدگاه آرمانی اسلام است؛ یعنی نخبگانی که با مردم و به فکر مشکلات مردم هستند؛ این دیدگاه برخلاف تربیت بر اساس دیدگاه طبقاتی است که نخبگان صرفاً منافع یک یا چند طبقه خاص را حفظ می‌کنند: «تفاوت است میان آن‌که تربیت نخبگان در خدمت دیدگاه طبقاتی باشد یا در خدمت دیدگاه آرمانی و احساس مسئولیت باشد؛ زیرا تربیت‌شدگان دیدگاه نخست جدای از جامعه زندگی می‌کنند اما دست پروردگار دیدگاه دوم در دل جامعه جای دارند و توده‌ها را به حرکت و فعالیت وامی‌دارند» (فضل‌الله، ۱۳۷۸: ۱۱۴).

۴. تفکر و گفتگوی نیکوی همگانی به‌دوراز تعصب و کینه: «اسلام قصد دارد، دین را از کنج قبیله و فرقه‌گرایی آلوده به کینه و عقب‌ماندگی به افق باز یک وضعیت فکری منتقل سازد؛ وضعیتی که تشویق به تفکر می‌کند، برنامه می‌دهد و بر اساس حکمت، موعظه حسنه و جدال نیکو به گفتگو فرا می‌خواند و برنامه سیاسی خود را که متکی بر دیدگاه اسلامی است به گونه‌ای تنظیم می‌کند که مشکل حیاتی مسلمانان و غیرمسلمانان را حل کند. تا آنکه بتواند مشکل چند دستگی جهالت آمیز را با اندیشه واحدی که همه را بر مبنای علم و حقیقت‌طلبی بر گرد خود جمع کند، حل کند» (فضل‌الله، ۱۳۷۸: ۲۲۵-۲۲۶).

۵. استقرار اسلام در تمام جهان: «واقعیتی که در پی تثبیت آن هستیم، جاری‌شدن اسلام زلال به سمت جهانیان و گرویدن آنان به اسلام است. هدف ما اسلام آوردن جهانیان است و لو آن‌که صد سال دیگر این امر تحقق یابد. ... ما در دعوت به خدا در پی این هدف هستیم که ملت آمریکا و لو به‌صورت تدریجی، به اسلام روی آورد» (فضل‌الله، ۱۳۸۴: ۱۳۳).

۶. جهان آرمانی اسلام، جهانی واقعی همراه با ضعف و خطا: در جهان آرمانی فضل الله در بهترین حالت ممکن هم ممکن است نقاط ضعفی در برخی موارد وجود داشته باشد: «بنابراین وقتی شما در مورد جهان (آرمانی) اسلامی صحبت می‌کنید که دقیقاً در خط اسلام و در خط عمیق هماهنگی بین رهبری و قوانین تنظیم شده باشد، به دنبال دنیایی هستید که وجود ندارد یا جهانی که نمی‌تواند وجود داشته باشد. وقتی تجربه اسلامی در حال اتفاق افتادن است، در معرض لغزش‌های طبیعی قرار دارد که انسان در جهان با آن مواجه می‌شود و در این جهان تجربه می‌کند تا با آموخته‌های خود سعی در رفع نقاط ضعف موجود خود در واقعیت اعمال کند» (فضل الله، ۱۴۱۵: ۶۴).

۷. اتحاد فکری و شرعی همراه با اتحاد سیاسی: اتحاد و همبستگی باعث ایجاد همزیستی مسالمت آمیز می‌گردد و در طول زمان یک منظومه فرهنگی یا تمدن شکوهمندی را می‌سازد: «ضروری است علاوه بر وحدت سیاسی به وحدت فکری و شرعی نیز تأکید کنیم؛ زیرا تنها با تأکید بر جنبه سیاسی بدون توجه به وحدت فکری و شرعی، وحدت دائمی محقق نمی‌شود، بلکه تنها به یک جریان سیاسی تبدیل می‌شود که بر اساس شرایط و منافع و پیمان‌نامه‌ها شکل می‌گیرد، حال آنکه وحدت فکری و شرعی، از آنجا که در احساسات عمیق انسان ریشه دارد، سبب وحدت موقعیت، اندیشه، هدف و سرنوشت انسان می‌گردد و مسلمانان را قادر می‌سازد تا استوار و بدون لغزش و سستی در مقابل تهدیدات دشمنان ایستادگی کنند» (فضل الله، ۱۳۹۶: ۳۶). در صورت تحقق این مسئله، کشورها می‌توانند با بروز بحران‌های مختلف به خوبی با آن‌ها مقابله کنند و هویت خویش را حفظ کنند. مثال بسیار مناسب در اینجا تمدن شکوهمند ایرانیان است که در طی چندین هزار سال با وجود تنوعات قومی و فرهنگی، توانسته‌اند در برابر تهاجمات داخلی و خارجی صف متحدی را داشته باشند و به تعبیر کنت دوگوبینو فرانسوی، ایرانیان با وجود قوم‌ها، اندیشه‌ها و نژادهای مختلف، هویت خود را نگه داشته‌اند و احساس مشترک، بخشی مهم از میراث اخلاقی ایرانیان را تشکیل می‌دهد (gobineau, 1980: 20).

۸. تحقق تمام ارزش‌های فکری، اخلاقی و معنوی: «در نهایت عناصر قدرت در اسلام، عقیده، مفهوم، روش و حرکت، اساس ثابت و قدرتمندی را در مقابل جریان‌های دیگر در میدان چالش‌های فکری و علمی به وجود می‌آورند. این عناصر در عرصه عمل می‌تواند امت اسلامی را با اعتقادات و ویژگی‌های خاص خود، به سوی دولت سوق دهند. در این دولت همه ارزش‌های فکری، اخلاقی و معنوی در جامعه اجتماعی

محقق می‌شود و در اجتماع جریان می‌یابد» (فضل‌الله، ۱۳۹۶: ۴۷).

۹. تحقق آزادی و عدالت: یکی از مبنایی‌ترین اهداف تشکیل حکومت اسلامی تحقق این دو مقوله

است. امام علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر می‌فرماید: «تحقیقاً بهترین چیز (نور چشم) برای حاکمان اقامه عدالت و استقرار عدالت در سطح کشور و جذب قلوب ملت است و این حاصل نشود مگر به سلامت سینه هایشان (به خالی بودن از کینه و بغض حاکمان)» (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۹۸۸)

فضل‌الله در این باره می‌گوید: «انقلاب عناصر حیاتی خود را از مفهوم اسلامی به دست می‌آورد تا انسان را از بندگی نفس‌اش و مستکبران آزاد سازد و بر اساس نگاه اسلام به مسئله عدالت و آزادی، عدالتی را برقرار سازد که انسان را از ستم‌ها و دشمنی‌های اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و سیاسی رهایی دهد تا اسلام - آخرین پیام خداوند- را به عنوان یک بنیان و اساس، برای فکر، عاطفه و زندگی انسان قرار دهد» (فضل‌الله، ۱۳۹۶: ۵۳). بنابراین می‌توان گفت، فضل‌الله در اینجا به مسئله خوبی اشاره کرده است که آن از پر اهمیت‌ترین مولفه‌های اصلی و قوام‌بخش اسلام است و در اینجا مختصراً می‌توان این نتیجه را گرفت که هر نوع نابسامانی، نشانی از بی‌عدالتی است و اگر عدالت هدف حکومت قرار گیرد و لوازم تحقق آن فراهم آید، امور جامعه سامان می‌یابد و همگان لباس عافیت، سلامت و کرامت به تن می‌کنند (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷: ۷۹).

در باب مسئله آزادی نیز باید گفت، آزادی اسلامی با آزادی لیبرالیستی تفاوت دارد؛ بدان معنا که با اباحیگری، تساهل و تسامح که از مولفه‌های سکولاریسم است، مخالفت می‌کند و در اسلام، آزادی در چهارچوب سعادت و کمال انسان مطلوب است (نوروزی، ۱۳۸۰: ۵۲)؛ البته این نکته نیز لازم به نظر می‌رسد که در هیچ نظامی آزادی مطلق وجود ندارد و محدود به نظام فکری آن جامعه است؛ مثلاً موریس دورژه می‌نویسد: دموکراسی به مخالفان خود اجازه بیان عقایدشان را می‌دهد؛ ولی تا وقتی که این کار را در چهارچوب روش‌های دموکراتیک انجام دهند (دورژه، ۱۳۶۹: ۳۴۳) یا مارکس در این باره معتقد است: دموکراسی فقط جنبه ظاهری و رسمی دارد؛ زیرا حقوق و آزادی‌های شخصی را به مردم اعطا می‌کند، ولی ابزار اعمال آن را اعطا نمی‌کند (نقیب زاده، ۱۳۷۳: ۷۲).

۱۰. حفظ نظام عمومی؛ الگوی دولت مطلوب: فضل‌الله معتقد است، بهترین الگوی دولت، آن

است که نظام عمومی را حفاظت کند. هر مدلی که کارآمدتر و موفق‌تر در این کار باشد مطلوب‌تر است و

نص مشخصی را در میان نصوص کتاب و سنت نمی‌توان یافت که شکل حکومت را در عصر غیبت تعیین کرده باشد. وی بر آن است که اساساً تعیین شکل و الگویی واحد برای همه زمان‌ها و شرایط امکان ندارد، زیرا زمان و اوضاع پویا و متغیر است و در هر شرایط زمانی و مکانی و تاریخی باید تلاش کرد تا شکل مطلوب متناسب با آن زمان را که تأمین‌کننده حفظ نظام عمومی باشد کشف کرد (حسنی، ۱۴۱۶: ۴۲). به نقل از: مرادی، (۱۳۸۱). این نکته قابل ذکر است که وقتی دولتی می‌تواند حافظ نظام عمومی باشد که کارایی مطلوبی برای شهروندان خود داشته باشد و در غیر این صورت مشروعیت خود را از دست می‌دهد چرا که رابطه مستقیمی بین آن‌ها وجود دارد: رابطه بین مشروعیت و کارایی در یک نظام سیاسی از اهمیتی حیاتی برخوردار است، چرا که وجود یا فقدان یکی، در درازمدت می‌تواند به رشد یا از دست رفتن دیگری منجر شود (اخوان کاظمی، ۱۳۸۳: ۶۰).

۱۱. برقراری آزادی‌های هدفمند و متعهدانه برای زنان: در جامعه آرمانی فضل‌الله (برخلاف جوامع غربی) زنان جایگاه بسیار والایی می‌توانند داشته باشند و به مقام انسانیت خود جامه عمل بپوشانند و آزادی آنان نیز، آزادی هدفمندی است که اگر محقق گردد آن‌ها می‌توانند مشارکت سیاسی مطلوبی نیز داشته باشند و در حکومت اسلامی نقشی اساسی ایفا کنند: «تفاوت بین اسلام و سرمایه‌داری در ساختن جامعه‌ای آرمانی این است که اسلام، زن و مرد را تا آنجا بالا می‌برد که هرکدام به‌عنوان انسانی که از جهت روحی و جسمی مستقل است، زندگی کند. درحالی‌که جامعه سرمایه‌داری، زن را به شکل کالای مصرفی تبلیغاتی درآورده و برای تهییج شهوت‌ها، به ابتذال جنسی کشانده است. آزادی هدفمند و متعهدانه آن است که در همه ابعاد گوناگونش بین ویژگی و نقش فرد و جامعه تعادل برقرار کند و در همه این ابعاد حرمت انسان‌بودن انسان را در نظر گیرد (فضل‌الله، ۱۳۸۳: ۵۸). با این تفسیر اگر برای زنان این مسئله تحقق واقعی پیدا کند، باعث ایجاد رویکرد یا پیش فرض صحیحی می‌گردد که اگر زنان به قدرت برسند و موفق شوند که با حضور خود دنیای مردانه سیاست را تعدیل کنند، جهان به گونه‌ای دیگر اداره خواهد شد. رهبری زنان، بازتر، انعطاف‌پذیرتر و توأم با شفقت بیشتری است (چابکی، ۱۳۷۹: ۸۲) و اگر غیر این دیدگاه حاکم باشد به رویکردی تبدیل می‌شود که معتقد است دخالت زنان در سیاست، زندگی سیاسی را مبتدل کرده و در عین حال ثبات خانواده را از بین می‌برد (گیندز، ۱۳۷۶: ۳۴۷).

در نهایت باید گفت، فضل‌الله با مدنظر قرار دادن یک رویکرد دینی، مولفه‌هایی را برای جامعه آرمانی

خویش مطرح کرد که هم اهداف مادی و هم اهداف معنوی و اخلاقی را پیگیری می‌کند؛ چراکه در نظام‌های سیاسی سکولار، دستیابی به رفاه و آسایش مادی، اصلی‌ترین برنامه‌های توسعه شناخته می‌شود، اما در نظام الهی، اهداف مادی به شکل مستقل مورد توجه قرار نمی‌گیرند؛ یعنی حکومت دینی، صرفاً به دنبال ایجاد رفاه و افزایش سطح بهره‌مندی‌های مردم نیست؛ بلکه این امر را در ارتباط تنگاتنگ با مسائل معنوی و اخلاقی ملاحظه کرده و تحقق می‌بخشد (نصرتی، ۱۳۹۳: ۳۳۷).

۴.۶. مرحله چهارم: راه‌حل‌های رسیدن به جامعه مطلوب

آخرین مرحله در الگوی اسپریگنز، ارائه راه‌حل برای برون‌رفت از مشکلات موجود و معالجه آن‌هاست. فضل‌الله در این بخش راه‌حل‌های گوناگونی را در عرصه‌های مختلف ارائه می‌کند. از جمله این عرصه‌ها می‌توان به راه‌حل‌های سیاسی، فرهنگی، در حوزه فکر و اندیشه، در برابر مسائل و توطئه‌های خارجی، اقتصادی و راه‌حل‌های عمومی و کلی اشاره کرد. مهم‌ترین محور راه‌حل‌های وی عقل‌گرایی و واقع‌گرایی نسبت به امور زمانه، قیام علیه حکومت‌های ظالم، اتحاد مذاهب و تمامی جهان اسلام، رهایی از قیود استعمار و استکبار با مقاومت و مبارزه و ...، در اولویت قرار دادن مبارزه فرهنگی تدریجی با دشمن و ... می‌باشد.

حوزه سیاسی: فضل‌الله با توجه به تجربه موفق امام خمینی (ره) در انقلاب ایران که ارتباط مستقیم با مردم داشت و توانست بدون تشکیلات و حزب سیاسی مردم را در جهت مخالفت با رژیم شاه بسیج کند، معتقد است، در لبنان این ذهنیت به وجود آمد که تشکیلات حزبی، عنصر ایده‌آلی برای آگاه‌سازی جامعه و از میان برداشتن نظام طاغوتی به شمار نمی‌آید. بنابراین، فعالیت در قالب احزاب گوناگون جهت رفع مشکلات موجود کارآمد نیست و ذهنیت جدیدی پدید آمد. این ذهنیت همان چیزی است که تحت عنوان تئوری (حزب‌الله) مطرح شد.

به‌طور اختصار نظریه (حزب‌الله) بر این باور است که: «اسلام به منزله یک دین - که در حیات روحی، فکری و عملی مردم تجلی می‌کند و رهبری آن در ارتباط مستقیم با مردم به آگاه ساختن ایشان و تعامل با آنان می‌پردازد - بر پیروان خود فرض می‌کند تا در جریان دعوت و فعالیت همه واقعبین موجود را در نظر بگیرند تا آن‌که بتوانند یک حرکت توده‌ای و مردمی پدید آورند؛ حرکتی اندیشمندانه، انقلابی، معنوی و عاری از تمام قیدها و موانع محدودکننده، حرکتی که عقل‌ها و دل‌های مردم را با یکدیگر پیوند می‌دهد و در مسجد، خیابان،

مسجد، باشگاه و تمام مناسبت‌ها عمومی و خصوصی تبلور می‌یابد» (فضل‌الله، ۱۳۷۸: ۱۲۳).

حوزه فرهنگی: حوزه فرهنگی یکی از حوزه‌های بسیار مهم در هر کشور است که رابطه مستقیمی با مشروعیت یک نظام سیاسی دارد. این رابطه بدین صورت است که اگر سمت‌گیری مردم نسبت به موضوعات سیاسی مثبت باشد نظام سیاسی از مشروعیت برخوردار است (کشاورز شکری، ۱۳۷۸: ۹۵).

فرهنگ‌سازی و آموزش مسلمانان در رابطه با به‌کارگیری راه‌حل‌های متناسب با شرایط مختلف جنگ و صلح (فضل‌الله، ۱۳۹۶: ۱۱۰-۱۱۱)، اصل مبارزه با دشمن؛ مبارزه فرهنگی (فضل‌الله، بی‌تا: ج ۳، ۵۷)، تربیت متفکران و روشنفکران آگاه و به‌روز برای روشنگری در جامعه (فضل‌الله، ۱۳۸۱: ب، ۸۳)، تربیت کارشناسان دینی و سیاسی برای تصدی مسئولیت‌های مختلف (فضل‌الله، ۱۳۷۸: ۱۲۴-۱۲۵)، آموزش فرهنگ خاص به نخبگان برای انتقال به فرهنگ عمومی (فضل‌الله، ۱۳۷۸: ۱۲۵-۱۲۶)، آگاهی‌بخشی به زنان توسط گروه‌های روشنفکر از خودشان (فضل‌الله، ۱۳۸۳: ۶۱-۶۲)، ارائه اندیشه اسلامی با ابزار نوین در جهان معاصر (فضل‌الله، ۱۳۷۸: ۲۲۳)، دعوت به تشیع همگام با فرهنگ و سیاست معاصر (فضل‌الله، ۱۳۸۴: ۲۵۷-۲۵۶)، تقیه؛ روش تبلیغ در جو فشارهای پلیسی و سیاسی، (فضل‌الله، ۱۳۹۰: ۱۹۲-۱۹۳).

حوزه اندیشه و تفکر: میهن‌پرستی انسانی در برابر تعصب‌ورزی و افراط (فضل‌الله، بی‌تا: ج ۱، ۸۰)، مبارزه با باورهای غلط در مورد زنان (فضل‌الله، ۱۳۸۳: ۸۸)، استقامت و پایداری در مبارزه با دشمنان (فضل‌الله، ۱۳۸۳: ۸۸)، تقویت جنبه اعتقادی و روحی = تقویت جنبه سیاسی (فضل‌الله، ۱۳۸۷: ۱۵۱)، تلاش برای تغییر ذهنیت غلط جدایی دین از سیاست (فضل‌الله، ۱۳۷۸: ۲۸۶)، واقع‌گرایی سیاسی به جای بی‌هویتی سیاسی (فضل‌الله، ۱۳۷۸: ۲۹۵)، افزایش آگاهی‌های اسلام‌گرایان (فضل‌الله، بی‌تا: ج ۴، ۵۵)، ضرورت مطالعات پویا و عملی در اسلام (نه صرفاً نظری و مبنایی) (فضل‌الله، ۱۳۹۶: ۲۷)، تلاش علمی فقها برای پاسخگویی به نیازهای انسان معاصر و رفع اشکالات (فضل‌الله، ۱۳۹۶: ۲۹)، رفع پیچیدگی‌های نظریه سیاسی اسلام در عمل با اجتهاد پویا (فضل‌الله، ۱۳۹۶: ۳۱).

حوزه مسائل خارجی (استعمار و استکبار و ...): اتحاد جهان اسلام (فضل‌الله، ۱۳۷۸: ۳۲۱)، خودآگاهی، گفتمان و مقاومت در برابر استکبار (فضل‌الله، ۱۳۸۴: ۱۳۷)، عقلانیت، منطق و واقع‌گرایی؛ راه دعوت غرب به اسلام (فضل‌الله، ۱۳۸۴: ۱۳۳)، وحدت ملی در لبنان؛ راهکار مقابله با اشغالگران (فضل‌الله، ۱۳۸۴: ۲۰۵)، حرام بودن شعارهای برانگیزاننده حساسیت‌های مذهبی (فضل‌الله، ۱۳۸۴: ۱۳۸۴).

۱۵۳)، مقابله با تبلیغات استکباری علیه اسلام با رعایت ارزش‌های انسانی (فضل‌الله، ۱۳۹۶: ۱۰۹)، تبلیغ اسلام با روش صحیح (فضل‌الله، بی‌تا: ج ۱، ۸۵)، هوشیاری سیاسی نسبت به مستهلک شدن در سیاست (فضل‌الله، ۱۳۸۴: ۱۵۱)، اسلام انقلابی؛ راه مبارزه با استکبار جهانی (فضل‌الله، ۱۳۸۷: ۸۱-۸۲)، شناسایی و نفوذ به شکاف‌های مناسبات بین‌المللی (فضل‌الله، ۱۳۷۸: ۲۳۲)، کاهش وابستگی؛ راه‌حل عبور از معادلات سیاسی قدرت‌های جهانی (فضل‌الله، ۱۳۷۸: ۲۹۴)، بی‌طرفی مثبت در برابر قدرت‌های شرق و غرب (فضل‌الله، ۱۳۷۸: ۲۹۵)، پرهیز از مصلحت‌اندیشی‌های حقیرانه در برخورد با استکبار (فضل‌الله، ۱۳۸۴: ۲۱۶)، جبران عقب‌ماندگی‌های علمی و صنعتی (فضل‌الله، ۱۳۹۰: ۲۱)، جنگ و جهاد مسلحانه در مواقع لازم با دشمن (فضل‌الله، ۱۳۹۰: ۲۴)، بهره‌گیری از تمام رسانه‌های تبلیغاتی (فضل‌الله، ۱۳۹۰: ۲۵). و به طور کلی می‌توان گفت با توجه به موارد طرح شده توسط فضل‌الله، اندیشه وی در مسئله مقابله با دشمنان، برگرفته از یک اصل قرآنی است که در تفکر قرآنی برای رفع فتنه و فساد کافران علیه مسلمانان، امر به جهاد با این دسته گردیده است و کافران، ستمکار نامیده شده‌اند و در حقیقت از این منظر، اعمال عدالت با مبارزه و جهاد علیه کافران ستمکار و جهاد در راستای رفع فتنه آنان توصیه شده است (اخوان کاظمی، ۱۳۹۱: ۱۰۰).

حوزه اقتصادی: تحریم کالاهاى آمریکایی و اسرائیلی (فضل‌الله، ۱۳۸۱: ب: ۵۲-۵۳).

راه‌حل‌های عمومی و کلی: وحدت مرجعیت در برابر مشکل تنوع اجتهادات فقها (فضل‌الله، ۱۳۹۶: ۳۷)، صورت‌بندی فقه مطابق نیاز روز و ارائه اسلام با زبان هر عصر (فضل‌الله، ۱۴۲۲: ۴۳۸)، در نظر گرفتن شرایط موجود و انتخاب بهترین راه‌حل (فضل‌الله، ۱۳۹۶: ۲۵)، عدم افراط در تطبیق نظریه و عمل (فضل‌الله، ۱۳۹۶: ۲۶-۲۵)، زمان، نقشه و برنامه‌ریزی؛ کلید حل مشکلات (فضل‌الله، بی‌تا: ج ۳، ۶۰-۶۱)، بحث و گفتگو با مخالفان بجای خشونت (فضل‌الله، بی‌تا: ج ۴، ۷۶-۷۷)، نیروی دانش و نیروی سلاح؛ دو ضرورت (فضل‌الله، ۱۳۸۷: ۱۳۷)، تعیین حدود آزادی‌ها و چگونگی اجرای آن‌ها (فضل‌الله، ۱۳۹۶: ۳۲).

۷. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با این سؤال شروع شد که مشکلات یا بحران‌های زمانه سید محمدحسین فضل‌الله و ریشه‌های آن‌ها چه بوده است و ایشان چه طرح یا چشم‌اندازی را به‌عنوان راه برون‌رفت از بحران زمانه و جامعه خود ارائه نموده است. به منظور پاسخ دادن به این مسئله، از روش اسپریگنز که روشی مؤثر و قابل‌فهم

در اندیشه‌های سیاسی است، استفاده گردید. در این روش از منظر بحران و طی چهار مرحله، اندیشه‌های سیاسی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند. با این الگو اندیشه سیاسی فضل‌الله از حالت انتزاعی و ذهنی خارج شده و در متن شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه خودش قرار می‌گیرد.

فضل‌الله در مرحله اول، بحران‌های اصلی و محوری جامعه مسلمانان را از دو جهت (داخلی و خارجی) می‌داند که از نظر وی مهم‌ترین مشکل از جهت خارجی از ناحیه دشمنی‌های استعمار و استکبار شرق و غرب می‌باشد و از جهت داخلی مرتبط با کارشکنی‌های قدرت‌ها و سیاستمداران منافق است. این دو مسئله در دیدگاه ایشان مشکلات بزرگی برای مسلمانان هستند و مانع زندگی با صلح و امنیت و جلوگیری از رشد و پیشرفت اسلام و کشورهای مسلمان و حتی سایر ملت‌های جهان می‌گردند. همچنین باید گفت، این اندیشمند مشکلات کوچک و بزرگ دیگری را در عرصه‌های گوناگون ذیل مشکلات اصلی عنوان می‌کند که ذکر آن‌ها قابل توجه است؛ ابتدا او برخی از مشکلات را در سطح مردم می‌داند مانند تعصب، مذهب‌گرایی، عدم تعهد و بی‌مسئولیتی، قبیله‌گرایی، عدم همراهی با رهبر و...؛ بعد از آن یک‌سری از مشکلات را در ارتباط با نخبگان و فرهیختگان مسلمان می‌بیند که با فرهنگ غلط گفتگو با همدیگر و با دیگران و به‌کارگیری خشونت راه تعامل صحیح و کارآمد را بر خود می‌بندند. ایشان درجایی دیگر به مشکلات فقهی و فقها اشاره دارد که تنوع اجتهادات فقهی آن‌ها، عدم توجه کافی فقها به نیازهای زمانه و... از آن موارد است. فضل‌الله دیگر مشکلات را در سطح طیف‌ها، جامعه و فرهنگ سیاسی جامعه تعریف می‌کند؛ به اعتقاد او برخی از خطوط سیاسی عرب در جهت منافع استکبار تفکر و عمل می‌کنند، دیدگاه‌های غلط نسبت به زنان دارند، عقب‌ماندگی و تقدس‌گرایی غلط گذشتگان از خصلت‌های آنان است و احزاب سیاسی مسلمانان نیز برای فعالیت با مشکلاتی مواجه هستند. در مورد مشکلات فرهنگی به انحرافات جنسی، تبلیغات مخرب فرهنگی، شیوه‌های نادرست تربیت سیاسی، رواج شبهات سازمان‌یافته ماتریالیستی، اعتیاد و... اشاره می‌کند. در زمینه اقتصادی مشکلات و فقر مالی، فاصله طبقاتی شدید و غارتگری سرمایه داران را عنوان می‌کند.

در مرحله دوم مشخص گردید که از دیدگاه فضل‌الله مهم‌ترین ریشه‌های بحران‌های زمانه او از یک‌سو مربوط به دشمنی‌های استعمار و استکبار جهانی می‌باشد که با استفاده از روش‌های مختلفی مثل تبلیغات سوء و جنگ رسانه‌ای، ایجاد تفرقه، ترور فکری و... به دلیل دشمنی با اصل اسلام، استفاده از منابع طبیعی آن کشورها مثل نفت و... برای مسلمانان ایجاد مشکل می‌کنند. از سوی دیگر مشکل بزرگ مسلمانان ظهور

قدرت‌ها و سیاستمداران داخلی منافق و وابسته به استکبار است که به دلیل مسائلی مانند تربیت سیاسی غلط، وابستگی به کشورهای استعماری و استکباری، ترس و اضطراب در برابر دشمن، طرح گفتمان نادرست و ... برای مسلمانان مشکل‌آفرین هستند. فضل‌الله ذیل بررسی و بیان علت مشکلات مسلمانان از ریشه‌ها و علل دیگری در زمینه‌های مختلف نام می‌برد که در سطوح مختلف است؛ مثلاً ایشان در سطح مردم به تفرقه و عدم اتحاد، عقب‌ماندگی برخی مسلمانان، اقلیم‌گرایی، غرب‌زدگی، عدم آگاهی‌های سیاسی و ... اشاره می‌کند. در سطح جنبش‌ها و فعالان سیاسی بر مواردی مثل تندروی، سنت‌گرایی، ایفای نقش منفی در برابر توطئه‌ها، آرمان‌گرایی غیر واقع‌بینانه، احساسات‌گرایی فعالان سیاسی، شتاب‌زدگی، عدم آشنایی فقها با مسائل و نیازهای روز تأکید دارد. در سطح دولت‌های خارجی مسائلی مانند سیاست‌های محدودکننده جهت عدم پیشرفت اسلام و مسلمانان، نژادپرستی آن‌ها را بیان می‌کند. از ریشه‌های در سطح اندیشه و تفکر مسلمانان می‌توان از تفکر غلط جدایی دین از سیاست و تبعات منفی آن، دیدگاه رأی اکثریت، روشن نبودن سبک سیاست غربی و اسلامی، اندیشه‌های سکولاریستی و پست مدرن در باب جامعیت اسلام، پیچیدگی نظریه سیاسی اسلام در عمل نام برد.

در مرحله سوم، مهم‌ترین نکاتی که فضل‌الله بیان می‌کند عبارت‌اند از اینکه در جامعه آرمانی، اسلامی واقع‌گرا و با عقلانیت وجود دارد، اسلام دینی سیاسی و استکبارستیز است، تمام ارزش‌های فکری، اخلاقی و معنوی در جامعه تحقق می‌یابند، آزادی و عدالت در آن تحقق می‌یابد، زنان تمام آزادی‌های اسلامی خود را برای شکوفایی استعدادهایشان دارند، بین تمام مسلمانان اتحاد سیاسی و فکری و معنوی وجود دارد.

در نهایت در مرحله چهارم، وی میان آنچه که هست و آنچه که باید باشد، ارتباط منطقی برقرار می‌کند. فضل‌الله در این مرحله به ارائه راه‌حل‌های گوناگون در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اندیشه‌ای، مسائل خارجی، اقتصادی و راه‌حل‌های کلی و عمومی می‌پردازد. وی در زمینه راه‌حل‌های سیاسی خود این موارد را پیشنهاد می‌دهد: ارائه تئوری حزب‌الله، اعطای آزادی‌های سیاسی، حذف نظام قومیت‌گرایی، موضع‌گیری عاقلانه و منطقی در برابر مسائل سیاسی، قدرتمندسازی خود، در برخی موارد قیام و انقلاب علیه ظالم، اتخاذ سیاست باز با دیگران. در بخش فرهنگی معتقد است، باید اصل مبارزه با دشمن، مبارزه فرهنگی باشد، تربیت کارشناسان دینی و فرهنگی صورت بگیرد، ارائه اندیشه اسلامی با ابزار نوین انجام شود، فرهنگ خاص به نخبگان جامعه آموزش داده شود. در حوزه اندیشه و تفکر به مبارزه با باورهای غلط در مورد زنان، واقع‌گرایی

سیاسی، افزایش آگاهی‌های اسلام‌گرایان، رفع پیچیدگی‌های نظریه سیاسی اسلام در عمل با اجتهاد پویا اشاره می‌کند. برای مسائل و مشکلات خارجی مواردی را پیشنهاد می‌دهد که بدین صورت است: اتحاد جهان اسلام، اسلام انقلابی، تبلیغ اسلام با روش صحیح و منطقی و عقلانی، کاهش وابستگی، بی‌طرفی مثبت، جنگ مسلحانه در مواقع لازم و... فضل‌الله در زمینه مسائل اقتصادی (به توجه به مطالعات این پژوهش) تنها به یک راه‌حل بسنده کرده است و آن تحریم کالاهای آمریکایی و اسرائیلی است. وی در نهایت یک سری راه‌حل‌های کلی و عمومی را هم پیشنهاد می‌دهد که عبارت‌اند از: عدم افراط در تطبیق نظریه و عمل، در نظر گرفتن شرایط واقعی برای هر اقدام، تأکید برداشتن دو نیروی دانش و سلاح، برنامه‌ریزی و تعیین حدود آزادی‌ها.

فهرست منابع

- نهج البلاغه، (۱۳۵۱)، ترجمه: سید علینقی فیض الاسلام، تهران: بی تا.
۱. اخوان کاظمی، بهرام، (۱۳۸۳)، درآمدی بر کارآمدی در نظام سیاسی اسلام، تهران: دانش و اندیشه معاصر.
 ۲. اخوان کاظمی، بهرام، (۱۳۹۱)، نظارت در نظام اسلامی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 ۳. اسپریگنز، توماس، (۱۳۸۲)، فهم نظریه سیاسی، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: نشر آگاه.
 ۴. استوکر، جری؛ مارش، دیوید، (۱۳۸۴)، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمد حاجی-یوسفی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
 ۵. بشیریه، حسین، (۱۳۷۶)، اندیشه‌های سیاسی مارکسیستی در قرن بیستم، تهران: نشر نی.
 ۶. جمشیدی، محمدحسین، (۱۳۸۵)، رخ اندیشه، تهران: نشر کلبه معرفت.
 ۷. چابکی، ام البنین، (۱۳۷۹)، «گفتگوی تمدن‌ها، زن و مشارکت سیاسی»، در خلاصه مقالات همایش نقش زن در گفتگوی تمدن‌ها، مرکز امور زنان و خانواده، ریاست جمهوری.
 ۸. حقیقت، سید صادق، (۱۳۹۱)، «نگاهی انتقادی به کاربرد نظریه بحران اسپریگنز در مطالعات سیاسی»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۴۹.
 ۹. دلشاد تهرانی، مصطفی، (۱۳۷۷)، حکومت حکمت، تهران: خانه اندیشه جوان.
 ۱۰. دورژه، موریس، (۱۳۶۹)، جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه: ابوالفضل قاضی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 ۱۱. رجایی، فرهنگ، (۱۳۸۹)، مقدمه بر کتاب فهم نظریه‌های سیاسی، تهران: نشر آگه، چاپ ششم.
 ۱۲. صالحی، سید رضا، (۱۳۸۶)، «شناخت چالش‌ها و بحران‌های قومی، الزامات مدیریت تنوع»، مجموعه مقالات تنوع فرهنگی و همبستگی ملی، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
 ۱۳. فضل‌الله، محمدحسین، (۱۴۱۷.ه.ق)، الإسلامیون و التحديات المعاصرة، بیروت: دارالملاک.
 ۱۴. فضل‌الله، محمدحسین، (۱۴۲۲.ه.ق)، مفاهیم اسلامیة عامة، بیروت: دارالملاک.

۱۵. فضل الله، محمدحسین، (۱۳۷۸) الف، کیمیای نظر، ترجمه محسن عابدی، تهران: نشر خانه اندیشه جوان.
۱۶. فضل الله، محمدحسین، (۱۳۸۱) الف، افغانستان، آمریکا، تروریسم، ترجمه محمد جمعه امینی، قم: المکتب الاعلامی.
۱۷. فضل الله، محمدحسین، (۱۳۸۱) ب، جوانان، قم: المکتب الاعلامی.
۱۸. فضل الله، محمدحسین، (۱۳۸۳)، اسلام، زن و جستاری تازه، ترجمه مجید مرادی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۹. فضل الله، محمدحسین، (۱۳۸۴)، حدیث عاشورا، ترجمه فرزاد اسدی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۰. فضل الله، محمدحسین، (۱۳۸۷)، پیام عاشورا، ترجمه قربانعلی محمدی مقدم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۱. فضل الله، محمدحسین، (۱۳۹۰)، گام‌هایی در راه تبلیغ، ترجمه احمد بهشتی، تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۲. فضل الله، محمدحسین، (۱۳۹۶)، فقیه و امت، ترجمه موسی الرضا بخشی استاد، تهران: مرکز نشر اسناد انقلاب اسلامی.
۲۳. فضل الله، محمدحسین، (۱۴۱۵ه.ق)، قضایا اسلامیة معاصرة، بیروت: دارالملاک.
۲۴. فضل الله، محمدحسین، (۱۴۲۰ه.ق)، إرادة القوة، بیروت: دارالملاک.
۲۵. فضل الله، محمدحسین، (۱۴۲۹ه.ق)، العدالة الاجتماعية فی الاسلام، بیروت: دارالمعارف.
۲۶. فضل الله، محمدحسین، (۱۴۳۰ه.ق)، الحرّیة و کرامة الانسان، بیروت: دارالمعارف.
۲۷. فضل الله، محمدحسین، (۱۴۴۱ه.ق)، الإسلام و منطق القوة، بیروت: دارالملاک.
۲۸. فضل الله، محمدحسین، (۲۰۰۳م)، المدنس و المقدس، بیروت: ریاض الیس للکتب و النشر.
۲۹. فضل الله، محمدحسین، (بی‌تا)، ۱۰۰ پرسش و پاسخ، ترجمه محمد جمعه امینی و دیگران، قم: المکتب الاعلامی.
۳۰. فیرحی، (به کوشش) داود، (۱۳۸۷)، روش شناسی دانش سیاسی در تمدن اسلامی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

۳۱. کشاورز شکری، عباس، (۱۳۷۸)، «وفاق اجتماعی، فرهنگ سیاسی و مشروعیت سیاسی»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۲ و ۳، زمستان ۱۳۷۸ و بهار ۱۳۷۹.
۳۲. گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۶)، جامعه شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چاپ سوم.
۳۳. مرادی، مجید، (۱۳۸۱)، «اندیشه سیاسی آیت الله سید محمد حسین فضل الله»، مجله علوم سیاسی، شماره ۱۸.
۳۴. نصرتی، علی اصغر، (۱۳۹۳)، نظام سیاسی اسلام، قم: مرکز نشر هاجر.
۳۵. نقیب زاده، احمد، (۱۳۷۳)، سیاست و حکومت در اروپا، تهران: سمت.
۳۶. نوروزی، محمدجواد، (۱۳۸۰)، فلسفه السیاست، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

منابع انگلیسی

1. Gobineau j A. (1980) , Trois and en Asie Ed.A.M. Metalie.paris.
2. Hoffman Thomas j. (2013), The metaphysics of modern existence a spragens analysis, indigenous polity journal vol, xxiv No 2 pp:1-4.